

## **Investigation of the constructive signs of the concept of peace in the poems of Adham Adel poetry notebooks (Kitab al-Majanin, Hatha al-Kun Se-Sama'a, Nususi Laisat lakom Boh al-Saalik) Based on Pierce's semiotic model**

**Article Type: Research**

**Payman Salehi<sup>1\*</sup>, Moslem Khezeli<sup>2</sup>**

1. Associate Professor of Arabic Language & literature Department, University of Ilam, Faculty of Literature and Humanities, Ilam, Iran.
2. Lecturer of Arabic Language & literature Department, University of Ilam, Faculty of Literature and Humanities, Ilam, Iran.

### **Abstract**

The world within the text is full of unknowns that are represented and revealed by the discovery of linguistic signs. Literary semiotics extracts its secondary messages and expresses the main concept and purpose of the poem by analyzing the actions within the text, and the audience reaches a deep understanding of the meaning of the poem. Pierce's theory of semiotics is one of the appropriate models for the critique of literary works in which the formation of three components of signs, namely representation, subject and interpretation and the relationship between them is investigated. Adel Adham, a contemporary Iraqi poet, is one of the poets of modernity with poems in which concepts such as war, terror, extremism, peace, empathy and unity are widely reflected, and one of his great ideals is a world free of war and full of reconciliation. The present study tries to analyze the process of formation of linguistic signs related to the concept of peace in Adham Adel's poems using a descriptive-analytical method and based on Pierce's three-dimensional semiotic model, and to criticize the relationship between these three components and their role in producing signs. The results of the research indicate that the linguistic signs in Adham Adel's poetry are a single and coherent structure, which are formed from the semantic connection between the example, subject and interpretation, and are based on a qualitative sign and the expression of some visible events and drawing the appearance of things, and with a sign The detail and expression of the bitter and unfortunate events of the inflamed and war-torn Iraq and the practical experiences of Iraqis regarding terror, suicide operations, fear and insecurity are expanded and end with a general sign and the poet's attitude towards the category of war and peace.

**Keywords:** Literary Semiotics, Mysteries, Pierce Three-dimensional Pattern, The Concept of Peace, Adham Adel.

---

\* Corresponding Author

P.salehi@ilam.ac.ir

## بررسی نشانه‌های سازنده مفهوم صلح در اشعار ادهم عادل دیوان‌های (کتاب المجانین، هذا الکون سیء السمعة، نصوصی لیست لكم بوح الصعاليک) بر پایه الگوی نشانه‌شناسی پیرس

نوع مقاله: پژوهشی

پیمان صالحی\*، مسلم خزلی<sup>۲</sup>

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه ایلام، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ایلام، ایران.

۲. مدرس گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه ایلام، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ایلام، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۸

### چکیده

جهان درون متن پر از ناشناخته‌هایی است که با کشف نشانه‌های زبانی بازنمایی و آشکار می‌شوند. نشانه‌شناسی ادبی با واکاوی کنش‌های درون متن پیام‌های ثانویه آن را استخراج و مفهوم و غرض اصلی شعر را بیان می‌کند و مخاطب به درک عمیقی از مفهوم شعر می‌رسد. نظریه نشانه‌شناسی پیرس یکی از الگوهای مناسب برای نقد آثار ادبی است که در آن نحوه شکل‌گیری سه جزء نشانه یعنی بازنمون، موضوع و تفسیر و ارتباط میان آن‌ها بررسی می‌شود. ادهم عادل شاعر معاصر عراقی از شاعران نوگرایی است که مفاهیمی همچون جنگ، ترور، افراط‌گرایی، صلح، همدلی و وحدت بازتاب گسترده‌ای در اشعارش دارند و یکی از آرمان‌های بزرگ او وجود جهانی خالی از جنگ و سرشار از صلح است. پژوهش حاضر می‌کوشد با شیوه توصیفی - تحلیلی و بر اساس الگوی سه‌وجهی نشانه‌شناسی پیرس به تحلیل فرایند شکل‌گیری نشانه‌های زبانی مربوط به مفهوم صلح در اشعار ادهم عادل بپردازد و ارتباط میان این سه جزء و نقش آن‌ها در تولید نشانه‌ها را نقد کند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که نشانه‌های زبانی در شعر ادهم عادل ساختاری واحد و منسجم هستند که از پیوستگی معنایی میان بازنمون، موضوع و تفسیر شکل می‌گیرند و با نشانه‌ای کیفی و بیان چگونگی برخی اتفاقات مرئی و ترسیم شکل ظاهری امور پایه‌ریزی می‌شوند و با نشانه‌ای جزئی و بیان اتفاقات تلخ و ناگوار فضای ملتهب و جنگ‌زده عراق و تجربه‌های عملی عراقی‌ها درباره ترور، عملیات انتحاری، ترس و ناامنی بسط می‌یابند و به نشانه‌ای کلی و نگرش شاعر به مقوله جنگ و صلح ختم می‌شوند.

**کلیدواژه‌ها:** نشانه‌شناسی ادبی، رمزگان، الگوی سه‌وجهی پیرس، مفهوم صلح، اداهم عادل.

## ۱- مقدمه

جهان هستی نظامی پیچیده و متشکل از مجموعه‌ای بی‌شمار از نشانه‌هاست و رفتارها و اعمال هر کدام از پدیده‌ها همچون نشانه‌ای عمل می‌کند. اثر ادبی نیز دارای ساختار منظمی است که از شبکه‌ای از نشانه‌های زبانی تشکیل شده و هر نشانه‌ای کارکرد معنایی خاصی در درون متن ادبی دارد. مطالعه نشانه‌های زبانی در آثار ادبی، از شیوه‌های نقد ادبی است که با گسترش مکاتب نشانه‌شناسی مورد توجه ناقدان ادبی قرار گرفت. کشف ارتباط میان نشانه‌ها، ساختار دلالتی اثر ادبی را نمایان می‌کند و خواننده به درک عمیقی از معنای آن می‌رسد. شعر یکی از گونه‌های ادبی است که نشانه‌ها در آفرینش آن نقش مهمی دارند و شاعر با گریز از زبان مستقیم باعث دلالت‌مندی شعر و تأخیر ادراک معنای آن می‌شود و واژگان قابلیت تأویل و تفسیر می‌یابند. چارلز سندرس پیرس<sup>۱</sup> از پیشگامان نشانه‌شناسی جدید، الگویی سه‌وجهی برای نشانه طراحی می‌کند که روشی علمی و مناسب برای تحلیل نظام دلالتی شعر به شمار می‌رود. اداهم عادل<sup>۲</sup> شاعر جوان عراقی رویکردی انتقادی و اعتراضی، بر اشعارش چیرگی دارد و در بیان دیدگاه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و موضوعاتی همچون جنگ، استعمار، افراط‌گرایی و فقر اقتصادی جسور است. اشعار او تصویری واضح از شرایط بحرانی و جنگی عراق است. یکی از مفاهیم پر بسامد در اشعار اداهم عادل، صلح و جنگ‌ستیزی است که سرچشمه آن، روح حساس و نوع‌دوست شاعر است که از شرایط نابسامان سرزمین خود، به ستوه آمده و آرمانش برقراری آشتی شده است.

این گفتار می‌کوشد با استفاده از الگوی نشانه‌شناسی پیرس نقش نشانه‌های زبانی در خلق مفهوم صلح را بررسی و تأثیر ارتباط میان سه جزء نشانه: بازنمون<sup>۳</sup>، موضوع<sup>۱</sup> و تفسیر<sup>۲</sup> در تولید نشانه‌های مربوط به مفهوم صلح را در اشعار اداهم عادل تحلیل کند.

<sup>۱</sup> Charles Sanders Peirce.

<sup>۲</sup> در سال ۱۹۸۷ میلادی به دنیا آمده و دارای لیسانس ادبیات انگلیسی است و پنج دفتر شعری به نام‌های «کتاب المجانین، هذا الكون سیء السمعة، نصوصی لیست لكم بوح الصعاليك، ألوان و ضوء بسرداب (شعر عامیانه عراقی)» چاپ کرده است. (www.albayyan-new.net).

<sup>۳</sup> Representamen.

## ١-١- پرسش‌های پژوهش

این پژوهش می‌کوشد پاسخگوی سؤالات زیر باشد:

- در اشعار ادهم عادل، نشانه‌های مربوط به مفهوم صلح در قالب رمزگان‌های محور همنشینی و جانشینی کلام، بینامتنی و مکانی چگونه شکل می‌گیرند؟
- مثلث معنایی متشکل از بازنمون، موضوع و تفسیر چه نقشی در آفرینش نشانه‌های مربوط به مفهوم صلح در شعر این شاعر دارند؟
- مقوله‌های اولیت، ثانویت و ثالثیت، کدام یک از انواع نشانه را در اشعار ادهم عادل نشان می‌دهند و چه ابعادی از مفهوم نشانه را بیان می‌کنند؟

## ١-٢- پیشینه پژوهش

ادهم عادل شاعر جوان عراقی به خاطر دیدگاه‌های انتقادی‌اش از شهرت و اعتبار زیادی برخوردار است، ولی با این وجود اشعارش نقد و بررسی نشده‌اند و درباره اشعارش تاکنون هیچ پژوهش مستقلی انجام نگرفته است. به نظر می‌رسد این مقاله نخستین پژوهشی است که با تکیه بر الگوی نشانه‌شناسی پیرس نشانه‌های متعلق به مفهوم صلح را در اشعار ادهم عادل بررسی و وجوه نامکشف متن شعر او را بیان می‌کند.

درباره مبانی نشانه‌شناسی پیرس پژوهش‌های بسیاری انجام گرفته است، ولی چند مورد از این پژوهش‌ها معتبرترین و نخستین پژوهش‌ها در این زمینه به شمار می‌آیند. ١- کتاب «نظریه و کاربرد نشانه: مقدمه‌ای بر نشانه‌شناسی چارلز پیرس» (١٩٧٩) اثر جرارد دولودال که نویسنده به تفصیل دیدگاه‌های پیرس را درباره انواع سه‌گانه نشانه یعنی نماد، نمایه و شمایل و همچنین نشانه‌های کیفی، جزئی و کلی بیان کرده است. ٢- کتاب «نشانه‌شناسی» (١٩٧٨) اثر اومبرتو ایکو است که در آن نظریات پیرس درباره نشانه‌شناسی به‌ویژه الگوی سه‌وجهی نشانه تحلیل و نقد شده است. ٣- کتاب «مبانی نشانه‌شناسی» (٢٠٠١) اثر دانیل چندلر که نویسنده در آن با ذکر مثال‌های عینی الگوی سه‌وجهی نشانه پیرس و ارتباط میان سه جزء نشانه را تشریح می‌کند. در

<sup>1</sup> .Object

<sup>2</sup> .Interpretant

پژوهش‌هایی که در آن‌ها آثار شاعران فارس بر اساس نظریه پیرس بررسی شده‌اند بیشتر به بازتاب انواع سه‌گانه نشانه در اشعار این شاعران پرداخته‌اند و در حوزه ادبیات عربی نیز اشعار برخی از شاعران با استفاده از نشانه‌شناسی پیرس بررسی شده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: محمدی نژاد پاشاکی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله «نشانه‌شناسی در شعر فلسطین با تکیه بر نظریه پیرس؛ مطالعه مورد پژوهانه: اشعار هارون هاشم رشید و معین بسیسو» استنباط کرده‌اند که اشعار این شاعران در برخی نمونه‌ها افزون بر عناصر درون‌متنی بر عناصر فرامتن و حوادث زندگی مؤلف تکیه دارد که از پربسامدترین نشانه‌ها در شعرشان نشانه زمان، شخصیت و مکان است و نویسندگان نشانه‌های شمایل، نمایه و نماد را که مربوط به مفهوم مقاومت هستند در اشعار این شاعران بیان کرده‌اند. علی پیرانی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله «دراسة سیمیائیة فی قصیده "کلمات للوطن" لتوفیق زیاد علی ضوء نظریه پیرس» معتقدند که در شعر مقاومت فلسطینی به خاطر سرکوبی و خفقان حاکم، نشانه‌های زبانی به صورت رمزی نمود یافته‌اند و نویسندگان انواع سه‌گانه نشانه یعنی شمایل، نمایه و نماد در این قصیده مشخص کرده‌اند. ربیع امیری و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله «نشانه‌شناسی الفاظ دلالت‌کننده بر مفهوم وطن در اشعار سلیمان العیسی بر اساس دیدگاه پیرس»، بر این باورند که العیسی با ایجاد ارتباط میان دلالت‌های صریح و در بافت متن، معانی ثانویه‌ای برای مفهوم وطن آفریده است و با تلفیق نظریه پیرس با نظریه رمزگان‌ها، نقش سه جزء نشانه یعنی بازنمون، موضوع و تفسیر در خلق نشانه‌های مربوط به وطن را بررسی کرده است. سایر پژوهش‌ها بیشتر مضمون وطن و مقاومت را در اشعار دیگر شاعران عرب بررسی کرده‌اند. تفاوت اساسی این پژوهش این است که بر بررسی مفهوم صلح تأکید می‌کند و افزون بر تحلیل رابطه سه جزء نشانه، انواع نشانه‌های کیفی، جزئی و کلی را بیان می‌کند.

## ۲- مبانی نظری نشانه‌شناسی پیرس

پیرس از بنیان‌گذاران نشانه‌شناسی جدید است که با ارائه الگوی سه‌وجهی خود برای نشانه، حوزه کاربرد نشانه‌شناسی را توسعه بخشید و با قائل شدن سه جزء برای نشانه انشعاب جدیدی

در نشانه‌شناسی آفرید. «پیرس بر خلاف سوسور<sup>۱</sup> که نشانه را به دو جزء دال و مدلول تقسیم می‌کند، برای نشانه سه جزء قائل می‌شود که عبارت‌اند از: بازنمون، موضوع و تفسیر.» (تشاندر، ۲۰۰۸م: ۶۹).

دیدگاه پیرس درباره نشانه، جهان‌شمول است و مطالعات نشانه‌شناسی را محدود به رشته یا زمینه خاصی نمی‌کند و آن را همچون سوسور منحصر در چارچوب زبان‌شناسی نمی‌کند. او می‌گوید: «هرگز نتوانسته‌ام چیزی را بررسی کنم، هر چیزی که باشد: ریاضیات، اخلاق، متافیزیک، روان‌شناسی، اقتصاد، ستاره‌شناسی و غیره و آن را یک مطالعه نشانه‌شناسی به حساب نیاورم.» (pirece, 1970: 32) پس هر پدیده‌ای در جهان شامل حال مطالعات نشانه‌شناسی می‌شود «از دیدگاه پیرس جهان در برابر ما به صورت شبکه پایان‌ناپذیری از نشانه‌ها ظاهر می‌شود و هر چیزی همچون یک نشانه عمل می‌کند.» (بلخامسه، ۲۰۱۹م: ۴۵) پس کنش‌ها و واکنش‌های پدیده‌ها، نشانه‌هایی هستند که ساختار جهان را شکل می‌دهند و رابطه تأثیر و تأثر میان آن‌ها حکم‌فرماست.

نشانه در دیدگاه پیرس از تعامل میان سه جزء آن یعنی بازنمون، موضوع و تفسیر پدید می‌آید و این باعث می‌شود که افزون بر جهان درون متن، عوامل اثرگذار بیرون متن در فرایند تولید اثر ادبی نیز تحلیل شوند و ارتباط میان بُعد ظاهری و بُعد معنایی نشانه بیان شود. «مفهوم نشانه در نتیجه ارتباط میان این مثلث معنایی شکل می‌گیرد و بدون وجود یکی از آن‌ها معنای نشانه کامل نمی‌شود.» (محمد، ۲۰۱۴م: ۲۴۲) پس نشانه، ساختار واحدی متشکل از این سه جزء به هم پیوسته است که زنجیره معنایی می‌آفریند و مخاطب به کمک ظاهر کلمات و ارتباط معنایی میان اجزای کلام به اغراض ثانویه کلمات و عمیق‌ترین لایه‌های متن می‌رسد.

اولین جزء نشانه در دیدگاه پیرس بازنمون است که سطح ظاهری متن را می‌سازد و به کمک آن به پدیده دیگری اشاره می‌شود «بازنمون بُعد صوتی و بُعد دیداری نشانه است و چیز خاصی را نشان می‌دهد.» (Deledalle, 1979: 61). این بخش درگاه ورود به جهان درون متن است و به کمک آن سعی می‌شود مفهومی انتزاعی به تصویر کشیده شود که در لایه‌های ثانویه متن پنهان شده است.

<sup>۱</sup> - Ferdinand de Saussure

موضوع، دومین جزء نشانه است که ذهن را از معنای نزدیک دور کرده و به مدلول هدایت می‌کند. «موضوع، دربرگیرنده نوعی آگاهی قبلی است که میان عناصر تشکیل‌دهنده گفتوگو (پیام، فرستنده پیام و گیرنده پیام) وجود دارد» (بنگارد، ۲۰۰۵م: ۸۱). پس پل ارتباطی میان بُعد حسی و ذهنی نشانه است و دربرگیرنده تشابهات و پیوندهای معنایی است که میان تصویر حسی و ملموس پدیده‌ها و مفاهیم و امور معنوی وجود دارد. برای مثال ارتباط معنایی میان تصویر حسی ناشی از ذوب شدن تدریجی برف و ذوب کامل آن و سپری شدن عمر انسان و پایان یافتن آن و در نهایت مرگ مصداق بارز موضوع است.

سومین جزء نشانه، تفسیر نشانه است. «تفسیر، عنصری است که باعث می‌شود امری ممکن و محتمل از بازنمون به موضوع انتقال یابد.» (دولودال، ۱۹۸۸م: ۱۵۵) پس مفهوم نشانه از روساخت متن به ژرف‌ساخت آن انتقال می‌یابد. «تفسیر، جزء ذهنی و غیرحسی نشانه است.» (کوبلی و جانز، ۲۰۰۵م: ۳۶) لذا مفهومی ناملموس است و تنها از طریق کشف ارتباط میان دلالت‌های صریح و دلالت‌های ضمنی قابل فهم است؛ یعنی خواننده به کمک مفاهیم حسی در لایه بیرونی متن به ادراکی منطقی از تفسیر یا همان بُعد ذهنی نشانه می‌رسد.

سه جزء نشانه در الگوی پیرس به سه مقوله «اولیت<sup>۱</sup>، ثانویت<sup>۲</sup> و ثالثیت<sup>۳</sup>» تقسیم می‌شوند و هر کدام از آن‌ها ویژگی‌ها و ابعاد معنایی خاص خود را دارند که مرحله به مرحله فرایند شکل‌گیری مفهوم نشانه را بیان می‌کنند. «بازنمون، در حیطه مقوله اولیت و موضوع، مربوط به مقوله ثانویت و تفسیر، وابسته به مقوله ثالثیت است.» (دولودال، ۲۰۰۴م: ۳۱-۳۲).

اولیت، زیربنای نشانه است و به کمک آن خواننده می‌تواند به درکی نسبی از مفاهیم ذهنی و غیرحسی همچون مرگ، کینه، دشمنی، عشق، مهربانی و صلح دست یابد. «اولیت مربوط به جهان احتمالات و ممکنات است و بر اساس آن هر پدیده‌ای بدون وابستگی به پدیده دیگری وجود خاص خود را دارد.» (بارث، ۱۹۸۶م: ۱۶-۱۷) اولیت، شکل اولیه نشانه است که مخاطب با

<sup>۱</sup>. Firstness

<sup>۲</sup>. Secondness

<sup>۳</sup>. Thirdness

حواس پنجگانه خود آن را درک می‌کند «و جنبه کیفی پدیده‌ها و ویژگی‌هایی مانند «رنگ قرمز، مزه تلخ، خستگی و سفتی» را شامل می‌شود. مقوله ثانویت دربرگیرنده اقدام‌ها و تجربیات انسان است و امور واقعی را شامل می‌شود که در این جهان در زمان و مکان خاصی رخ می‌دهند. ثالثیت نیز گستره‌ای است که قوانین و افکار عمومی را شامل می‌شود و درباره امور ضروری و حتمی است و بدون آن هیچ‌گونه ارتباطی میان دیگر اجزای نشانه شکل نمی‌گیرد.» (حنون، ۱۹۸۷م: ۴۵) بنابراین اولیت نقطه آغاز شکل‌گیری نشانه است و گستره مفهوم نشانه با جزئیات ذکر شده در ثانویت بسط می‌یابد و در ثالثیت به شکل پیام کلی نمایان می‌شود. مطابق این سه مقوله، نشانه‌ها به سه نوع کیفی، جزئی، کلی (عام) تقسیم می‌شوند. رمزگان از مفاهیم پرکاربرد نشانه‌شناسی است که معنای نشانه، بدون آن تحقق نمی‌یابد. هر نشانه‌ای در فضا و گستره خاصی پدید می‌آید و متناسب با ویژگی‌های این فضاها، نوع نشانه‌ها و بار معنایی آن‌ها مشخص می‌شود. «رمزگان چارچوبی را به وجود می‌آورد که در آن نشانه‌ها معنا می‌یابند. تفسیر معانی مرسوم نشانه‌ها مستلزم آشنایی با مجموعه‌های مناسبی از قراردادهاست. رمزگان، نشانه‌ها را به نظام‌های معنادار تبدیل می‌کند و باعث ایجاد رابطه میان دال و مدلول می‌شود.» (چندلر، ۱۳۸۷م: ۲۲۱) رمزگان، محیطی است که نشانه‌ها در آن تولید می‌شوند و در متن ادبی نشانه‌ها متناسب با رمزگان‌ها کارکرد معنایی ویژه‌ای می‌یابند و ممکن است در یک قصیده نشانه‌ها در قالب چندین رمزگان شکل بگیرند و ابعاد مختلف معنایی قصیده بیان شود. «رمزگان‌ها باعث درهم تنیده شدن متون شده و آن‌ها را به چیزی که از ظرفیت تکرار معنایی برخوردار است، تبدیل می‌کنند.» (Barthes, 1974: 18) پس نشانه‌ها معنای خود را در درون رمزگان کسب می‌کنند.

### ۳- پردازش موضوع

در این بخش، شاخه‌های مربوط به رمزگان، یعنی محور همنشینی و جانشینی کلام، بینامتنی و مکانی، با استناد به اشعار ادهم عادل و بر اساس نظریه نشانه‌شناسی پیرس بررسی می‌شود.

#### ۳-۱- محور همنشینی و جانشینی کلام



عبارات هر متن ادبی در قالب دو محور همنشینی و جانشینی ساماندهی می‌شود. «به قرار گرفتن کلمات یک ساختار در کنار یکدیگر همنشینی گفته می‌شود و رابطه همنشینی بر ترکیب میان الفاظ مجاور در یک زنجیره کلامی دلالت دارد.» (بی‌رویش، ۱۳۷۴: ۳۰) چینش واژگان در این ساختار، افقی است و تشبیه و مجاز مربوط به این محور هستند. «به رابطه الفاظی که از حیث انتخاب با یکدیگر در ارتباطاند و به دلیل وجود تشابه به جای هم قرار می‌گیرند، رابطه جانشینی می‌گویند.» (Crystal, 1992: 284؛ صفوی، ۱۳۸۷: ۲۶۹) کلمات در این محور به صورت عمودی کنار هم قرار می‌گیرند و استعاره و کنایه در این محور، کاربرد دارند.

عادل، دولت عراق را مسئول ناامنی، هرج و مرج و بی‌نظمی فراگیر در کشور می‌داند و به رئیس دولت و کابینه او پیشنهاد می‌دهد که از اداره کشور کنار بکشند و کار را به دولتی مقتدر و برگرفته از مردم بسپارد. وی در قالب محور همنشینی و به کمک مجاز مرسل با علاقه عام لفظ عام «الوطن» را ذکر و گروه خاصی یعنی دولت و در رأس آن رئیس جمهور را اراده می‌کند و با این کار به شکلی مجازی و غیرصریح از ضعف مدیریتی سران حکومت انتقاد می‌کند و آن‌ها را مسئول وضعیت نابسامان عراق معرفی می‌کند: *فَالْوَطَنُ الَّذِي لَا يُؤْفِرُ / الْأَعْضَاءَ الْأَصْطِنَاعِيَّةَ لِلْمُعَوَّقِينَ وَضَحَايَا الْإِخَى الْمُفْخَخَةِ / أَجْدِرُ بِهِ التَّعَاقُدَ / وَالْجُلُوسَ عَارِيًّا تَحْتَ نَصَبِ الْحُرِّيَةِ* (عادل، ۲۰۱۶: ۲۹). (وطنی که نتواند اندام‌های مصنوعی برای معلول‌ها و قربانیان ریش‌داران بمب‌گذاری شده فراهم کند، چه شایسته است که استعفا دهد و عریان در برابر آزادی بایستد).

مطابق الگوی پیرس، عبارت «فَالْوَطَنُ الَّذِي لَا يُؤْفِرُ» بازنمون نشانه و روساخت متن این شعر است و بنابر مقوله اولیت حالت احتمال وقوع فعل را نشان می‌دهد و تصویری را در ذهن ایجاد می‌کند که به مفهومی انتزاعی یعنی ناکارآمدی دولت اشاره می‌کند. موضوع، ارتباط معنایی میان ضعف مدیریتی دولت در رسیدگی به قربانیان جنگ داخلی و عدم توانایی کشور برای رسیدن به امنیت ملی و بازیابی قدرت پیشین است. مطابق مقوله ثانویت، اتفاقات تلخ همچون وقوع عملیات‌های متعدد انتحاری، زخمی و کشته‌شدن مردم، نبود نظارت قوی و دخالت بیگانگان در امور کشور، تجربه‌های عملی است که عراقی‌ها هر روز شاهد آن هستند. مطابق مقوله ثالثیت، تفسیر نگرش انتقادی شاعر نسبت به دولت حاکم وقت عراق را دربرمی‌گیرد که از ایجاد امنیت در کشور عاجز است و همچنین تأکید او بر ضرورت تغییرات

سیاسی در عراق جهت ایجاد حکومت مرکزی مقتدر را شامل می‌شود. نشانه در این سطرها، واحد منسجم شکل گرفته از سه ضلعی معنایی بازنمون، موضوع و تفسیر است که با یک نشانه کیفی و نحوه کمک‌رسانی دولت به آسیب‌دیدگان جنگ شروع می‌شود و با جزئیات مربوط به وضعیت بد جانبازها و زخمی‌های جنگ و ترس، اضطراب و ناامنی ناشی از عملیات‌های انتحاری ادامه می‌یابد و به دیدگاه انتقادی شاعر و لزوم جایگزینی دولت مقتدر به جای دولت ناکارآمد فعلی برای اصلاح وضعیت نامناسب، ختم می‌شود.

عادل از شرایط جنگی عراق و کشتار مردم بی‌گناه آن بسیار ناراحت است و در قالب درد و دل با خدا از اعمال تروریستی افراط‌گرایان انتقاد می‌کند. وی در قالب محور همنشینی و با یک مجاز مرسل با علاقه محلیت اوج نومی‌دی خود را از نابودی تروریست‌هایی ابراز می‌کند که با نام دین و خدا جنایت‌های جنگی مرتکب می‌شوند. شکافته‌شدن آسمان مجاز از نزول عذاب الهی است، زیرا در زمان پیامبران عذاب‌های الهی همچون رعد و برق و طوفان و بارش سنگ از آسمان بر کافران نازل می‌شد: كَيْفَ تَسْمَحُ لِاسْمِكَ / أَنْ يُذَكَّرَ عِنْدَ ذِيحِ الْأَطْفَالِ / كَيْفَ لَا تَشْقِي السَّمَاءَ / كَتُوبِ أُمِّ شَهِيدٍ / حِينَمَا تَرَى / الْبُطُونُ تُبْقَرُ / وَالنُّحُورُ تَذْبَحُ / وَالصَّغَارُ تُشْقَى نِصْفَيْنِ كَالْبُرْتَقَالَةِ (همان: ۷۴). (چگونه به اسمت اجازه می‌دهی که هنگام بریدن سر کودکان ذکر شود. چگونه آسمان مانند پیراهن مادر شهیدی نمی‌شکافد، وقتی که می‌بینی شکم‌ها پاره و گردن‌ها بریده و کودکان‌ها همچون پرتقال دونیم می‌شوند.

عبارت «لَا تَشْقِي السَّمَاءَ» بازنمون نشانه و روساخت متن این شعر است که بنابر مقوله اولیت تصویری ملموس است که شاعر با آن با زبانی مجازی و غیرصریح به مفهومی ذهنی یعنی بیزاری از جنگ و افراطی‌گری اشاره می‌کند. موضوع تناسب معنایی میان ظهور بلایای طبیعی که از بالا به سمت زمین فرود می‌آیند و نزول عذاب‌های الهی است که منحرفان و دشمنان خدا را هدف قرار می‌دهند. مطابق مقوله ثانویت ترور، کشتارهای دسته‌جمعی و ترس و اضطراب تجربه‌های عملی مردم عراق در زمان جنگ داخلی هستند که شاعر آن‌ها را در اشعارش بازتاب می‌دهد. تفسیر مطابق مقوله ثالثیت، این پیام کلی است که نتیجه افراط، چیزی جز ویرانی، آشوب و کینه و بد جلوه دادن دین نیست. ساختار کلی نشانه متشکل از یک مثلث معنایی است که با یک نشانه کیفی و چگونگی شکافته‌شدن آسمان پایه‌ریزی می‌شود و با یک نشانه جزئی و ذکر جنایت‌های جنگی در عراق و رفتارهای وحشیانه تروریست‌ها بسط می‌یابد.

و مفهوم آن با یک نشانه کلی مبنی بر نفی جنگ‌طلبی و پیروی کورکورانه از افراد نادان کامل می‌شود.

جهان صنعتی هر روز بیشتر به سمت استثمار و کشتار می‌رود و انسان‌ها با بهانه‌های مختلف تاریخی، دینی، اقتصادی و سیاسی در رقابتی ویرانگر برای حذف هم می‌کوشند. عادل چنین آشوبی را با کمک کارکردهای بلاغی و هنری استعاره به تصویر می‌کشد و در قالب محور جانشینی و استعاره مصرّحه اصلیه، کره زمین پر از خشونت، جنگ، قتل را که میان جنگ‌طلبان دست به دست می‌شود، توپ بیسبالی می‌داند که بازیکنان برای رسیدن به هدفشان، با چوب محکم به آن می‌زنند: *أَيُّهَا الْأَنْبِيَاءُ وَالْحُكَمَاءُ وَالْعُظَمَاءُ / أَرْجُوْكُمْ أَرْسَلُوا رِسَالَةً عَاجِلَةً / إِلَى هَذِهِ الْأَلْهَةِ الَّتِي فِي السَّمَاءِ / تُخْبِرُهَا / بِأَنَّ هَذِهِ الْكُرَةَ الْأَرْضِيَّةَ / لَا تُصْلِحُ لِلْعَبَةِ الْبَيْسَبُولِ* (همان: ۱۲۱). (ای پیامبران، حکیمان و بزرگان! لطفاً نامه‌ای اضطراری را به خدایگانی بفرستید که در آسمان است و او را آگاه کنید که کره زمین برای بازی بیسبال مناسب نیست).

مطابق الگوی پیرس عبارت «الْكُرَةُ الْأَرْضِيَّةُ / لَا تُصْلِحُ لِلْعَبَةِ الْبَيْسَبُولِ»، بازنمون و سطح لغوی متن است و بعد کیفی و مرئی نشانه را به مخاطب عرضه می‌کند تا مفهوم انتزاعی نشانه و تفکر کلی شاعر درباره مقوله جنگ را بیان کند و ادراک آن را برای مخاطب ممکن سازد. موضوع، بنابر مقوله ثانویت، تشابه میان گردی زمین و توپ بیسبال و ضربات سنگین به توپ بیسبال توسط بازیکنان و آسیب‌هایی است که ابرقدرت‌ها با ایجاد جنگ و کشتار به کره زمین وارد می‌کنند و آن را همچون توپ بیسبال بین خود می‌چرخانند. مطابق مقوله ثالثیت تفسیر، قانونی کلی است که انسان معاصر را از زیاده‌خواهی و ارضای نامعقول امیال مادی برحذر می‌دارد و به خویش‌داری، تعامل دوستانه و نفی برتری‌جویی دعوت می‌کند. ساختار نشانه با نشانه کیفی و تصویر چگونگی برخورد شدید چوب بیسبال با توپ شروع می‌شود و با نشانه‌ای جزئی بسط می‌یابد و وقوع جنگ‌های داخلی در تمام جهان به‌ویژه منطقه خاورمیانه را به شکلی استعاری بیان می‌کند و در قالب نشانه‌ای کلی به یک قانون و تفکری جهان‌شمول یعنی برقراری صلح در تمام کره زمین و نفی جنگ و رقابت‌جویی میان کشورها ختم می‌شود. عبارت «الْكُرَةُ الْأَرْضِيَّةُ» و همچنین جمله طلبی «أَيُّهَا الْأَنْبِيَاءُ» و... و فراخوانی همگان، صلح‌جویی جهانی شاعر را برجسته می‌کند.

ادهم عادل از جنگ، گروگان‌گیری و خشونت حاکم بر عراق بیزاری می‌جوید. شاعر اشتیاق خود را به صلح و محبت و دوستی با استفاده از عنصر خیال موجود در تشبیه و اموری حسی همچون نان، دهان و گهواره بیان می‌کند. چنینش این واژگان کنار واژگان «عَجْنَتْ، التُّهُود، الجدائل المقصوصة و الأطفال» تصویر شعری زیبایی را پدید می‌آورد که مفهومی کلی به نام انسانیت را در خود دارد: كَمْ أُمْنَى / لَوْ عَجَنْتُ نَفْسِي / مِنْ جَدِيدِ كُحْبَزِ أُمِّي الْأَسْمَرِ / كُنْتُ جَعَلْتُ نَفْسِي فَمَا كَبِيرًا لِلتُّهُودِ الْوَحِيدَةِ / أَوْ مُشْطًا عَاجِيًا لِلْجَدَائِلِ الْمُقْصُوصَةِ / أَوْ مَهْدًا صَغِيرًا لِلْأَطْفَالِ الْمَعْوُوقَةِ (عادل، ۲۰۱۷: ۶۹). (چقدر آرزو دارم که بتوانم دوباره خود را بسان نان گندمگون (گل انداخته) مادرم خمیر کنم و خود را دهانی بزرگ برای سینه‌های تنها قرار دهم یا شانه‌ای از جنس عاج برای گیسوان بریده یا گهواره کوچکی برای کودکان معلول باشم).

واژگان «كُحْبَز، فَم، مُشْط و مَهْد» بازنمون مفهوم نشانه و بیانگر مقوله اولیت و سطح کیفی نشانه هستند. موضوع، تشابه میان آسایش خاطر شاعر و نرم‌خویی او و نرمی خمیر نان و روح مهرطلب شاعر و دهان نوزاد خواهان شیر مادر، طمأنینه و آرامش زنان و حس خوب ناشی از شانه کشیدن موها و خواب خوش در محیط آرام و آرامش ناشی از تکان خوردن گهواره برای کودک است. طبق مقوله ثانویت این تجربه‌های عاطفی در زمان کودکی و در این جهان برای شاعر رخ می‌دهند و اکنون در جهان شعر بازآفرینی می‌شوند. تفسیر مطابق مقوله ثالثیت پیام کلی شعر مبنی بر پایان جنگ، پرهیز از برادرکشی، اشاعه نوع دوستی و صلح جهانی است. ساختار نشانه با نشانه‌ای کیفی و تصویر شعری‌ای آغاز می‌شود که با چگونگی آماده کردن خمیر نان توسط مادر، شیرخوردن کودک، شانه کشیدن موها و تکان خوردن گهواره کودک ساخته می‌شود و با نشانه‌ای جزئی ادامه می‌یابد و مفهوم آن با جزئیات احساسات شاعر و مهر و محبت میان کودک و مادر، معصومیت کودک و ضرورت آرامش روحی در زندگی او بسط می‌یابد و با نشانه‌ای کلی و پیام اصلی شاعر و آرمان بزرگ او مبنی بر نفی جنگ و خشونت تکمیل می‌شود.

عادل به خاطر اثرات مخرب جنگ، شخصیتی هیجانی و خشمگین و مضطرب دارد، اما هرگز انتقام‌جو و کینه‌توز نیست. او برای توصیف بهتر حس درونی خود از کارکرد هنری تشبیه سود می‌جوید و بر پایه محور همنشینی خود را بسان نوزادی شیرخوار می‌پندارد که مهر و عطوفت مادری را می‌طلبد تا زندگی برایش زیبا جلوه کند: أَنَا أَصْرُحُ كَالْمَجْنُونِ / وَلَكِنِّي أَرِيدُ

الایتنسام کالرَضیع (عادل، ۲۰۱۶م: ۱۹). (همچون دیوانه فریاد می‌کشم، ولی همچون شیرخواره لبخند را می‌جویم).

واژه «الرَضیع»، بازنمون و روساخت متن است که بنابر مقوله اولیت بیانگر بُعد حسی نشانه است. موضوع، تشابه میان حس امنیت کودک ناشی از لبخند محبت‌آمیز مادر و روح مهرطلب شاعر است که جهان را جایگاه دوستی و همنوایی می‌داند. مطابق مقوله ثانویت این آرزوی شاعر تجربه عملی او در عراق و در برهه زمانی پرآشوب را نشان می‌دهد. تفسیر، بنابر مقوله ثالثیت همان نشانه عامی است که شخصیت شاعر و آرمان والای او را بازگو می‌کند که جهان را به صلحی فراگیر و پایدار دعوت می‌کند و سلطه‌طلبان را به پرهیز از جاه‌طلبی سفارش می‌کند. نشانه در این بیت ساختار واحدی است که با یک نشانه کیفی و تصویر گریه شدید شاعر و خنده کودکانه پایه‌ریزی می‌شود و مفهوم آن با یک نشانه جزئی و بازنمایی احساسات متناقض شاعر همچون خشم و بی‌تابی و مهربانی گسترش می‌یابد و به یک نشانه کلی و نگرش شاعر به مقوله صلح‌طلبی و انسان‌دوستی ختم می‌شود.

در نگاه عادل، خداوند و دین اسلام، دشمنی، تجاوز و خونریزی را سفارش نمی‌کند، بلکه جهانی آباد و جامعه‌ای سعادت‌مند و سالم را برای انسان‌ها می‌خواهد. شاعر با کمک استعاره و محور جانشینی کلام این رویکرد انسانی خود را به تصویر می‌کشد. کاشتن درخت در مهدکودک معانی ثانویه بسیاری دارد و بر آبادانی و بالندگی دلالت می‌کند. پخش کردن گل‌های سرخ میان بیماران سرطانی، استعاره‌ای از عواطف انسانی و نوع‌دوستی است که در عصر کنونی با جنگ و افراط‌گرایی فراموش شده است: الْعِبَادَةُ / هِيَ أَنْ تُزْرِعُوا الْأَشْجَارَ / فِي دَوْرِ حِضَانَةِ الْأَطْفَالِ / وَتُؤَزَّعُوا الزُّهُورَ الْحُمْرَاءَ / فِي رَدَاهَاتِ مُسْتَشْفَيَاتِ السَّرَطَانِ (همان: ۲۷). (عبادت یعنی این‌که درختان را در مهدکودک‌ها بکارید و گل‌های سرخ در سالن‌های بیمارستان‌های سرطان پخش کنید).

عبارت‌های «تُزْرِعُوا الْأَشْجَارَ» و «تُؤَزَّعُوا الزُّهُورَ الْحُمْرَاءَ»، بازنمون نشانه و روساخت متن هستند و بنابر مقوله اولیت بر احتمال، دلالت می‌کنند و مخاطب را به مفهومی ذهنی یعنی توجه به احساسات پاک انسانی هدایت می‌کنند. موضوع، هماهنگی معنایی میان کاشتن درخت و سرسبزی و تولد انسان‌های سالم و دوستی میان جهانیان است. این جزئیات، بنابر مقوله ثانویت تجربیات عاطفی شاعر و انسان‌های جنگ‌گریزی است که در عصر جدید با آن در

ارتباط‌اند. تفسیر، بنابر مقوله ثالثیت، قانونی کلی است که این پیام را به مخاطب انتقال می‌دهد که رمز خوشبختی انسان معاصر، کاوش در اعماق وجود خود و پرورش احساسات پاک انسانی و تعدیل خواسته‌های نفسانی است. این نشانه، کل منسجمی است که نخست با یک نشانه کیفی و تصویر درختکاری در مهدکودک‌ها و اهدای گل به بیماران، پایه‌ریزی می‌شود و با نشانه‌ای جزئی و با کشف انگیزه‌ها و عوامل اهدای گل و درختکاری، یعنی ارزش قائل شدن برای امنیت اجتماعی، انسانیت و دوری از کینه و سوءاستفاده از دیگران توسعه می‌یابد و به یک نشانه کلی و هسته معنایی قصیده منتهی می‌شود که از ظاهرگرایی و نگرش سطحی در دین‌پرهمیز و به هدف اصلی دین یعنی دوستی با خدا و با خلق اشاره می‌کند.

### ۳-۲- رمزگان بینامتنی

بینامتنیت از شیوه‌های نقد ادبی است که بر ارتباط متون با یکدیگر تأکید می‌کند. «هر متنی خواه آشکارا خواه پنهان، با متون دیگر در ارتباط است.» (Genette, 1997: 1) یعنی هیچ متن مستقلی وجود ندارد. «هر سخن به سخن‌های پیشین که موضوع‌های مشترکی دارند و با سخن‌های آینده که به معنای یک پیشگویی و واکنش به آن‌هاست گفتگو می‌کند.» (احمدی، ۱۳۸۰ش: ۹۳) پس متن، خاصیت چندصدایی می‌یابد و با ورود شخصیت‌های جدید به متن مبدأ، عبارت‌های این متن دلالت‌مند می‌شوند.

در اشعار عادل اندیشه‌های مختلف و داستان‌هایی از دیگر فرهنگ‌ها بازتاب می‌یابد. یکی از داستان‌هایی که عادل از شخصیت اصلی آن برای بیان اندیشه‌هایش بهره می‌برد، رمان ماجراهای شگفت‌انگیز نیلز است که به صورت سریالی کارتونی پخش شده است. «نیلز پسری نوجوان است که طی اتفاقاتی کوچک می‌شود و با دسته‌ای از غازها به سمت سرزمین شگفت‌انگیز لاپلند همسفر می‌شود.» (نک: [www.Iranketab.ir](http://www.Iranketab.ir)) عادل به کمک این شخصیت کارتونی و همچنین شخصیت تمثیلی «مورتن» (غاز سخنگو) فضایی سوررئالی می‌آفریند و آرزوی کودکان سرزمینش یعنی شادی و امنیت را با زبان شعر بیان می‌کند و از او می‌خواهد کودکان سرزمینش را با خود ببرد و از جنگ نجات دهد. وی از طریق تعامل با متن این داستان کودکان ذهن مخاطب را برای کشف اشتراک میان متن حاضر و متن مهمان به چالش می‌کشد: مُورْتُونُ أَیُّهَا الطَّائِرُ الْأَبْیَضُ / أَرْجُوكَ ضَعْ أَطْفَالَ بِلَادِي / عَلَی جَنَاحِكَ مَعَ

نیلز / وَأَهْرَبُ بِحِمِّ إِلَى لَا بَلَدَ (عادل، ۲۰۱۷م: ۱۱۵). (مورتن ای پرندۀ سپید! خواهش می‌کنم کودکان وطنم را با نیلز روی بال‌هایت بگذار و آن‌ها را به لاپلند ببر).

مطابق الگوی پیرس لفظ «نیلز» و «مورتن» بازنمون و بنابر مقولۀ اولیت بُعد دیداری نشانه هستند که تصاویر کارتون مربوط به این داستان را در ذهن مخاطب بازنمایی می‌کنند. موضوع، تشابه میان کودکی نیلز و جهان رؤیاگونه و پر از تصاویر زیبا و مهیج او با پرندگان و آرمان‌شهر و جهان رؤیاهای کودکان عراقی است. طبق مقولۀ ثانویت، ترس، اضطراب و مهاجرت اجباری اتفاقات تلخی هستند که کودکان عراقی در بحبوحۀ جنگ داخلی در دو دهۀ اخیر قرن بیست و یکم درک کرده‌اند. مطابق مقولۀ ثالثیت تفسیر، آرمان شاعر و مردمان ستمدیدۀ سرزمینش در رسیدن به بهشت گمشده صلح و آرامش است. نشانه در قالب یک زنجیرۀ معنایی با نشانه‌ای کیفی و تصویری از همسفری نیلز و غازها بنا نهاده می‌شود و با نشانه‌ای جزئی و تلفیق داستان نیلز و وضعیت کودکان عراقی و ایجاد ارتباط معنای میان آن‌ها گسترش می‌یابد و به قانونی کلی ختم می‌شود که بر دوری از جنگ تأکید می‌کند و زندگی آرام و بدون آوارگی و بی‌خانمانی برای عراقی‌ها می‌خواهد.

بابانوئل از شخصیت‌های نیمه‌افسانه‌ای فرهنگ غربی و مسیحی، نماد شادی، آشتی و دوستی است که در جشن کریسمس با سورتمه‌ای پر از هدایا به ملاقات بچه‌ها می‌رود. عادل از این شخصیت در مضمون‌پردازی شعرش بهره می‌گیرد و آرزو می‌کند که به دوران کودکی برگردد و همه کودکان سرزمینش را با سورتمۀ بابانوئل به جهانی به دور از جنگ، بیماری و آوارگی ببرد. حضور این شخصیت با ویژگی‌های رفتاری خاصش به عنوان نشانه‌ای زبانی عمل می‌کند و به جهان‌بینی و پیام اصلی شاعر که در لایه‌های ثانویه متن پنهان شده، اشاره می‌کند: *أَنَا أُرِيدُ أَنْ أَرْتَدِّي بِدَلَّتِي الْمَدْرَسِيَّةَ / وَأَخْرُجُ غَدًا فِي السَّاعَةِ الْخَامِسَةِ / لِأَجْمَعَ أَطْفَالَ الْوَطَنِ / مِنَ الْمَدَارِسِ وَالْمُسْتَشْفَيَاتِ وَالْمَلَاجِيءِ وَالْمَزَابِلِ / فَأَضَعُهُمْ فِي عَرَبَةٍ / سَبَقَ إِنْ سَرَفْتُهَا مِنْ بَابَانُؤِيلِ / وَأَهْرَبُ بِحِمِّ إِلَى السَّمَاءِ (همان: ۱۳)*. (می‌خواهم لباس فرم مدرسه‌ام را بپوشم و صبح، ساعت پنج بیرون بروم تا کودکان وطن را در مدارس، بیمارستان‌ها، پناهگاه‌ها و زباله‌دان‌ها جمع کنم و آن‌ها را در سورتمه‌ای بگذارم که قبلاً از بابانوئل دزدیدم و به سوی آسمان بگریزم).

لفظ بابانوئل و داستان آن بازنمون و بُعد دیداری نشانه است و مطابق مقولۀ اولیت کیفیتی بصری را از مفهومی ذهنی به مخاطب ارائه می‌دهد که در لایه‌های عمیق متن پنهان شده است

و بر دوستی و اجتناب از جنگ و خونریزی تأکید می‌کند. موضوع، تشابه میان علاقه و محبت بابانوئل به کودکان و اشاعه فرهنگ شادی و دوستی توسط او و میل شاعر به فراهم آمدن شرایط مناسب زندگی برای کودکان عراقی و تزریق روحیه نشاط به آنهاست. بنابر مقوله ثانویت، اتفاقات ناخوشایندی که در دوران اشغال عراق توسط بیگانگان برای کودکان عراقی رخ داده، تجربه‌های آنهاست که تداخل داستان بابانوئل در شعر عادل بعد عملی این آرزو را در جهان واقعیت نشان می‌دهد که تحقق آن در گرو پوششی جهانی است. تفسیر، مطابق مقوله ثالثیت پیامی کلی است که جهان را از تبعیض، جنگ، کینه‌ورزی و رقابت ناسالم بازمی‌دارد و از انسان‌ها می‌خواهد که با همدلی و هم‌اندیشی جهان را از زشتی‌ها پاک و لبریز از انسانیت و شرافت کنند. ساختار کلی این نشانه با یک نشانه کیفی و تصویر بابانوئل و نحوه آمدن او با سورتمه پر از هدایا پایه‌ریزی می‌شود و با نشانه‌ای جزئی و با گریزی به وضعیت نامناسب اقتصادی، اجتماعی و امنیتی کودکان عراقی ادامه می‌یابد و با نشانه‌ای کلی و گرایش وطن‌دوستانه و صلح‌جویانه شاعر تکمیل می‌شود.

## ۲-۳- رمزگان مکانی

مکان در زبان شعر، معانی مختلفی دارد و تبدیل به نشانه‌ای زبانی می‌شود که شاعر با آن تصویری ملموس از مفاهیم ذهنی را به مخاطب ارائه می‌دهد. «مکان، کیان اجتماعی انسان است که تعامل میان انسان و جامعه‌اش را شامل می‌شود و دربرگیرنده اخلاق، افکار و ذهنیات افراد جامعه است» (نصیر، ۱۹۸۶: ۱۸). پس افزون بر بُعد جغرافیایی، مکان دارای جنبه‌های اجتماعی است.

هنگام اشغال عراق و فعالیت گروه‌های تروریستی، زنان و کودکان بیشترین آسیب را دیدند و در معرض تجاوز، قتل و خشونت‌های قبیله‌ای و سستی بوده‌اند. عادل برای ترسیم بهتر شرایط نامناسب این دو قشر از جامعه از کارکردهای هنری اسم‌های مکان کمک می‌گیرد. مدرسه، مکان پرورش ذهن و استعدادهای فرد است، ولی گاهی ابزاری برای گروهی منفعت‌طلب می‌شود. عادل با اشاره به تاریخ عراق، منشأ همه رفتاری‌های عراقی‌ها را جاه‌طلبی برخی از سردمداران می‌داند. از سوی دیگر شاعر، به وضعیت نامناسب زنان بیوه اشاره می‌کند، وظیفه خود و جامعه را حمایت از این طبقه می‌داند و با واژه «بیوت» که حریم امنی برای شخص در برابر گزند حوادث به شمار می‌رود به این حمایت اشاره می‌کند: مِنْ أَجْلِ أَنْ يَلْعَبَ الْأَطْفَالُ / سَأَلْغِي دُرُوسَ الْوَطَنِيَّةِ



والتَّارِیْخِ مِنَ الْمَدَارِسِ / سَأَسْرِقُ طَائِفَ الْمَعَابِدِ وَأُبْنِي بُيُوتًا لِلْأَزْمَلِ (عادل، ۲۰۱۶م: ۵۷). (برای این که کودکان بازی کنند، درس‌های وطن‌گرایی و تاریخ را از مدارس لغو خواهم کرد و آجرهای معابد را خواهم دزدید و خانه‌هایی برای بیوه‌زنان می‌سازم).

واژگان «المدارس» و «بُیوت»، بازنمون نشانه و بُعد بصری آن هستند و مطابق مقوله اولیت، حالت حسی مفهوم نشانه را بیان می‌کنند. موضوع، تناسب معنایی میان محیط بسته و بی‌عاطفه مدرسه و نقش مخرب نظام آموزشی در تحریک عقاید افراط‌گرایانه دینی و ملی است و تشابه میان حس امنیت انسان در خانه و حس امنیت زنان بیوه در جامعه شکوفاست. طبق مقوله ثانویت، وضعیت آموزشی مدارس عراق و نگرش منفی مردم به زنان بیوه، واقعیت‌های جامعه عراقی هستند که در قرن بیست و یکم در این کشور رخ می‌دهند. تفسیر، مطابق مقوله ثالثیت پیام کلی مبنی بر بازنگری در مسائل فرهنگی، عقیدتی، دینی و اجتماعی عراق و عدم تحریک مسائل قومی و مذهبی و دعوت به همزیستی مسالمت‌آمیز است. ساختار کلی این نشانه با یک نشانه کیفی و چگونگی حذف دروس وطن‌گرایی و تاریخ از مدارس و ساختن خانه و پناهگاه برای زنان بیوه شروع می‌شود و با یک نشانه جزئی و توصیف وضعیت محتوای آموزشی در عراق و دیدگاه جامعه نسبت به زنان بیوه ادامه می‌یابد و با یک نشانه کلی و پیامی ملی مبنی بر احترام به همه عراقی‌ها با هر طبقه اجتماعی شکل نهایی می‌گیرد.

مسجد، مقدس‌ترین مکان در دین اسلام است. در شرایط نابسامان عراق برخی از فریب‌خوردگان استعمار به جای اشاعه فرهنگ ناب اسلامی در این مکان مقدس، به تفرقه‌افکنی می‌پردازند و جوانان را به ترور ترغیب می‌کنند. کودک، نمادی از پاکی و معصومیت است و مهدکودک نیز از کارکرد مکانی خود فراتر می‌رود و نماد پرورش عواطف پاک انسانی به شمار می‌رود. در ابیات زیر شاعر با تقابل دو اسم مکان «الجامع» و «روضة الأطفال» با زبانی کنایی از برخی از مبلغان دینی انتقاد می‌کند که به جای عبادت و ترویج روحیه همدلی میان مسلمانان، تخم کینه و نفاق را می‌کارند و با تکفیر دیگران، ذهن برخی را مسموم کرده و باعث می‌شوند که دست به اقدامات تروریستی و انفجار مکان‌های عمومی به‌ویژه مهدکودک‌ها بزنند و این با تعالیم دین اسلام در تناقض است: الْعُبُوءُ كَائِنٌ حَيٌّ لَهُ تَارِیْخٌ وَیَوْمٌ مِیْلَادٍ / دَوْرُهُ حَیَاتُهَا تَكْتَمِلُ بِأَقْلٍ مِنْ حُطْبَةِ وَاحِدَةٍ / تَخْرُجُ مِنَ الْجَامِعِ لِتَدْخُلَ رَوْضَةَ الْأَطْفَالِ (عادل، ۲۰۱۷م: ۸۶). (بمب، موجود زنده‌ای است که تاریخ و روز تولدی دارد و زمان

زندگی‌اش تنها با کمتر از یک خطبه، تکمیل می‌شود و از مسجد خارج می‌شود تا وارد مهدکودک شود).

واژگان «الجامع» و «روضة الأطفال» بازنمون و روساخت متن هستند که مطابق مقوله اولیت، کیفیتی بصری از مفهوم نشانه ارائه می‌دهند تا مخاطب با آن به درکی حسی از مفهوم انتزاعی کلی دست یابد. موضوع، تناسب معنایی میان اثرگذاری منفی سخنان مزدوران بر افراد سطحی‌نگر و مخرب بودن بمب است و تناسب معنایی میان محیط آرام و شاد مهدکودک و حس خوب و احساسات پاک انسانی ناشی از دیدن کودکان است. طبق مقوله ثانویت، ترور، وحشت و اضطراب، تجربه‌های عملی هستند که مردم عراق به‌ویژه کودکان طی سال‌های اخیر آن را در جهان واقعیت لمس کرده‌اند. تفسیر، مطابق مقوله ثالثیت، نگرشی کلی است که بر ضرورت بیداری ملت‌های مسلمان تأکید می‌کند و از ساده‌لوحی افراد ناآگاه که بازیچه دست استکبار جهانی و دشمنان اسلام شده‌اند، انتقاد می‌کند. تغییر مثبت شرایط موجود تنها توسط خود مسلمانان امکان‌پذیر است و باید اصول دین اسلام مورد تأکید باشند و فرعیات آن بازنگری شوند. حرکت شکل‌گیری این نشانه با یک نشانه کیفی و چگونگی ورود شخص تروریست به مهدکودک شروع و با نشانه‌ای جزئی و با تبیین تفکرات مسموم تروریست‌ها و تخریب اماکن و کشتار کودکان ادامه می‌یابد و در نهایت به تفکر کلی، یعنی نفی افراط‌گرایی، جنگ و دعوت به آشتی منتهی می‌گردد.

### نتیجه

در محور همنشینی و جانشینی، عادل با کمک عنصر خیال در تشبیه، استعاره و مجاز و با چینش واژگان در بافت متن زنجیره معنایی پدید می‌آورد و با بارگذاری معانی مجازی برای واژگان، دلالت‌های شعری را می‌آفریند و مدلول را در شبکه‌ای در هم تنیده از این دلالت‌ها در لایه‌های عمیق متن پنهان می‌کند. ارتباط معنایی میان اجزای سه‌گانه تشبیه استعاره یعنی مشبه، وجه شبه و مشبه‌به، تداعی‌گر سه جزء نشانه در دیدگاه پیرس به ترتیب بازنمون، موضوع و تفسیر است. در رمزگان بینامتنی عادل با فراخوانی شخصیت‌های داستان‌های غربی، خاصیت چندصدایی و گفتوگومندی را در شعرش تقویت می‌کند و بنابر اشتراک معنایی که میان شخصیت کارتون‌ی نیلز و شخصیت نیمه‌افسانه‌ای بابائوئل و شخصیت‌های شعرش وجود دارد،

باعث دلالت‌مندی متن شعرش می‌شود و واژگان و عبارت‌های شعرش را تأویل‌پذیر می‌کند و جهانی بودن مفهوم صلح را برجسته می‌سازد. در رمزگان مکانی اسم‌های مکان به عنوان دلالت‌های صریح، روساخت متن را می‌سازند و با ارتباط معنایی که با دیگر واژگان در بافت متن پدید می‌آورند معانی ثانویه کسب می‌کنند که با بازنمایی آن‌ها مدلول آشکار می‌شود.

بنابر الگوی سه‌وجهی پیرس شکل نهایی نشانه‌های مربوط به صلح در اشعار عادل حاصل تعامل پیوستار معنایی میان بازنمون، موضوع و تفسیر است. بازنمون به عنوان روساخت متن و دلالت صریح، جلوه‌ای حسی و ملموس از نشانه به مخاطب می‌دهد و به عنوان سرنخی عمل می‌کند که مخاطب با آن به لایه‌های درونی متن راه می‌یابد. محدوده نشانه‌های مربوط به صلح با موضوع گسترش می‌یابد و به کمک آن بُعد حسی و ذهنی نشانه به هم پیوند می‌خورد. این نشانه‌ها در شعر عادل ساختار واحدی هستند که به عنوان یک نظام منسجم عمل می‌کنند و مفهومشان بدون وجود یکی از این سه جزء تکمیل نمی‌شود.

نشانه‌های مربوط به صلح در شعر عادل از حالت کیفی، حرکت خود را آغاز می‌کنند و چگونگی رخ دادن برخی اتفاقات مرئی همچون شکافته شدن آسمان، کاشتن درخت و اهدای گل به بیماران، گریه و لبخند کودک شیرخوار را نشان می‌دهند و بنابر مقوله اولیت به عنوان پایه برای نشانه عمل می‌کنند و به حالتی جزئی انتقال می‌یابند و ادهم با ذکر وضعیت جنگی عراقی‌ها، ترور، عملیات انتحاری در مساجد، مهدکودک‌ها، مدارس و دیگر اماکن عمومی، کشتار دسته‌جمعی، ناامنی، ترس و اضطراب حاکم بر جامعه، مفهوم نشانه را توسعه می‌دهد و سه در پایان، به نشانه‌ای کلی ختم می‌شوند که دربرگیرنده نگرش کلی ادهم درباره مسائل کلان یعنی نفی جنگ‌طلبی، ضرورت بیداری عراقی‌ها، دعوت به اتحاد و دوری از تفرقه و تعصبات و افراط‌های دینی و قومی و دعوت به صلحی فراگیر است.

## منابع

### الف - کتاب‌های عربی

- بارث، رولان (۱۹۸۶م)، *مبانیء فی علم الأدلة*، ترجمة محمد البكري، منشورات عيون المقالات.  
بنگراد، سعید (۲۰۰۵م)، *السيمانيات والتأويل: مدخل لسيمانيات ش. س. بورس*، ط ۱، بيروت: الدار البيضاء.  
تشاندلر، دانیال (۲۰۰۸م)، *أسس السيميائية*، ترجمة طلال وهبه، ط ۱، بيروت: مركز دراسات الوحدة العربية.  
حنون، مبارک (۱۹۸۷م)، *دروس في السيميائية*، ط ۱، مغرب: دار توبقال للنشر.  
دولودال، جزار (۱۹۸۸م)، *بيرس أو سوسور*، ترجمة عبدالرحمن بوعلي، بيروت، مركز الإنتماء القومي.

- ..... (٢٠٠٤م)، *السيمياءات أو نظرية العلامات*، ترجمه عبدالرحمن بوعلي، ط ١، اللادقية: دار الحوار.
- عادل، أدهم (٢٠١٦م)، *نصوصي ليست لكم، بوح صعلبيك*، ط ٧، بغداد: دار سطور.
- ..... (٢٠١٧م)، *كتاب المجانين*، ط ٥، بغداد: دار سطور.
- ..... (٢٠١٧م)، *هذا الكون سيء السمعة*، ط ٢، بغداد: دار سطور.
- كوبلي، بول، جانز، ليتسا (٢٠٠٥م)، *علم العلامات*، ترجمة جمال الجزيري، تقديم إمام عبدالفتاح إمام، المكتبة الأعلى للثقافة.
- النصير، ياسين (١٩٨٦م)، *الرواية والمكان*، بغداد: دار الشؤون الثقافية العامة.

## ب- کتاب های فارسی

- احمدی، بابک (١٣٨٠ش)، *ساختار و تأویل متن*، چاپ پنجم، تهران: مرکز.
- بیرویش، مانفرد (١٣٧٤ش)، *زبان شناسی جدید*، ترجمه محمدرضا باطنی، تهران: آگاه.
- صفوی، کوروش (١٣٨٧ش)، *درآمدی بر معنا شناسی*، چاپ سوم، تهران: سوره مهر.

## مقالات

- بلخامسة، کرمة، (٢٠١٩م)، «*العلامة والتأویل عند بیرس*»، مجلة سيميائيات، المجلد ٩، العدد ١، صص ٤٠-٥٥.
- کرم زادی، مسلم (١٣٩٥ش)، «*سلفی گرایي جهادی-تکفیری و آینده ثبات سیاسی در خاورمیانه*»، فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام، سال ٦، شماره ١، صص ١١٣-١٤٢.
- محمد، أحمد علي، (٢٠١٤م)، *نظرية العلامة وسيرورتها عند شارلس سندرس بیرس*، مجلة العميد، جامعة بغداد، السنة الثالثة، المجلد الثالث، العدد الثاني عشر، صص ٢٣١-٢٥١.

## لاتین

- Barthes, R. (١٩٧٤). S/Z. Tr. by Richard, Howard & Richard, Miller.  
New York: Hill and Wang.
- Crystal, D. (1992). Encyclopedia Dictionary of language and languages, Blackwell.
- Deledalle. G. (1979). Theorie et pratique du signe. Payol, paris.
- Genette, G. (١٩٩٧). Paratexts, Threshold of Interpretation (Cambridge University Press, original text published in 1987).
- Peirce, C. (1970). 'Ecrits sur le signe, paris: Ed seuil.

## منابع اینترنتی

- في حوار سريع للشاعر أدهم عادل مع البيئة الجديدة (2022/14/4). <https://www.albayyan-new.net>
- کتاب ماجراهای شگفت انگیز نیلز (٢٢ / ٥ / ١٤٠١) <https://www.iranketab.ir>

## References Books

### Arabic Books

- Adel, Adham (2016 AD), My texts are not for you, Bouh Saalik, 7th edition, Baghdad: Dar Sotoor.
- Adel, Adham (2017 AD), The Book of Insane, 5th edition, Baghdad: Dar Sotoor.
- Adel, Adham (2017AD), This notorious universe, 2nd edition, Baghdad: Dar Sotoor.
- Al-Naseer, Yassin (1986 AD), The Novel and the Place, Baghdad: Dar-Al Saghafeh.
- Bangrad, Saeed (2005 AD), Semiotics and Interpretation: Introduction to Semiotics Sh. s. Bours, 1st edition, Beirut: Casablanca.
- Barthes, Roland (1986 AD), Principles in the Science of Evidence, translated by Muhammad Al-Bakri, The Eyes of Articles Publications.
- Chandler, Daniel (2008 AD), Foundations of Semiotics, translated by Talal Wahba, Beirut: Center for Arab Unity Studies.
- Copley, Paul, Jans, Litsa (2005 AD), The Science of Signs, translated by Jamal Al-Jaziri, presented by Imam Abdel-Fattah Imam, The Supreme Library of Culture.
- Dolodal, Jarrar (1988), Peres or Saussure, translated by Abd al-Rahman Bu Ali, Beirut, National Belonging Center.
- Dolodal, Jarrar (2004 AD), semiotics or the theory of signs, translated by Abd al-Rahman Bu Ali, 1st edition, Lattakia: Dar al-Hewar.
- Hanoun, Mubarak (1987 AD), lessons in semiotics, 1st edition, Morocco: Toubkal Publishing House.

### Persian Books

- Ahmadi, Babak (1380), Text structure and interpretation, 5th edition, Tehran: Center.
- Birvish, Manfard (1374), New Linguistics, translated by Mohammad Reza Batani, Tehran: Agah.
- Safavi, Korosh (1387), an introduction to semantics, third edition, Tehran: Surah Mehr.

### Magazines

- Belkhamsah, Karima, (2019), "Al-Allamah and Taweel at Birs", Simiyat Magazine, Volume 9, Issue 1, pp. 40-55.
- Karamzadi, Muslim (2015), "Jihad-Takfiri Salafism and the future of political stability in the Middle East", Islamic World Political Research Quarterly, year 6, number 1, pp. 113-142.
- Muhammad, Ahmed Ali, (2014 AD), The Theory of Allama and Her Works by Charles Sanders Beers, Al-Amid Magazine, Baghdad University, Year 3, Volume 3, Issue 2, pp. 231-251.

## دراسة العلامات البناءة لمفهوم السلام في أشعار أدهم عادل دواوين (كتاب المجانين، هذا الكون سيء السمعة، نصوصي ليست لكم بوح الصعاليك)

على ضوء نموذج بيرس السيميائي

نوع المقالة: أصيلة

بيمان صالح<sup>\*</sup>، مسلم خزلي<sup>٢</sup>

١. أستاذ مشارك، في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة إيلام، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، إيلام، إيران.

٢. محاضر في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة إيلام، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، إيلام، إيران.

### الملخص

عالم داخل النص مليء بالمجهولات التي يتم تمثيلها وكشفها عبر اكتشاف العلامات اللغوية. السيميائية الأدبية، من خلال دراسة نشاطات داخل النص، تستخرج أغراضها الثانوية وتعتبر عن المعنى والغرض الرئيسي للقصيدة والمتلقي يصل إلى فهم عميق لمعنى الشعر. تُعتبر نظرية بيرس السيميائية إحدى النماذج المناسبة لنقد الأعمال الأدبية؛ فيها يتناول تكون المكونات الثلاثية للعلامة، وهي الممثل والموضوع والمؤول، والعلاقة بينها. أدهم عادل شاعر عراقي معاصر، هو أحد الشعراء المبدعين الذين تنعكس في أشعارهم مفاهيم مثل الحرب والإرهاب والتطرف والسلام والتعاطف والوحدة. ومن أبرز أمنياته العظيمة هو وجود عالم خالٍ من الحرب ومليء بالمصالحة. تحاول هذه الدراسة تحليل عملية تكون العلامات اللغوية المتعلقة بمفهوم السلام في أشعار أدهم عادل مستخدمة المنهج الوصفي التحليلي وعلى أساس نموذج بيرس السيميائية ذات ثلاثي الأبعاد وأن تدرس العلاقة بين هذه المكونات الثلاثة ودورها في إنتاج العلامات. تشير نتائج البحث إلى أن العلامات اللغوية في شعر أدهم عادل هي بنية واحدة متماسكة، تتكون من الارتباط الدلالي بين الممثل والموضوع والمؤول، وتستند إلى علامة نوعية والتعبير عن بعض الأحداث المرئية ورسم مظهر الأشياء، وعلامة جزئية يتم توسيع التفاصيل والتعبير عن الأحداث المريرة والمؤسفة للعراق المتهب والممزق بالحرب والتجارب العملية للعراقيين فيما يتعلق بالإرهاب والانتحار والخوف وانعدام الأمن وتنتهي بعلامة عامة وموقف الشاعر من موضوعي الحرب والسلام.

**الكلمات الرئيسية:** السيميائية الأدبية، الرمز، نموذج بيرس ذات ثلاثي الأبعاد، مفهوم السلام، أدهم عادل.